



درس بیست و هفتم  
سوره انعام: آیات (۱۰۰ - ۱۰۵)

نکات مهم آیات:

۱. برخی از مشرکان، جن را شریک خدا و خدا را

صاحب پسر و دختر می دانستند؛

۲. وقتی خدا همسر ندارد، چگونه می تواند فرزند

داشته باشد؟!

۳. خداوند آفرینشش بی الگو، علمش بر همه چیز

محیط و خالق هر چیزی است؛

۴. «الله»، هم خدای شما، هم پروردگار شما و هم

معبود شماست؛

۵. با هیچ یک از حس‌های ظاهری نمی‌توان خدا

را درک کرد؛ ولی او همه چیز را می‌بیند و

درک می‌کند؛

۶. کار قرآن، هدایت و روشنگری است؛ هر کس

پند گیرد، به سودش، و هر که کوردل باشد، به

زیانش است؛

۷. قرآن در همه سطوح، پیام دارد؛ ولی این

عالمانند که از آن بهره می‌گیرند.

## لغات درس بیست و هفتم

خَرَقُوا:	ساختند، تراشیدند	لُنْبِيَّةٌ:	او را روشن کنیم، آن را بیان کنیم
بَنِينَ:	پسران	وَكَيْلٌ:	نگهبان
بَنَاتٍ:	دختران	تُدْرِكُهُ:	او را درک می کند
يَصِفُونَ:	وصف می کنند	الْأَبْصَارُ:	دیدگان، چشم ها
بَدِيعٌ:	پدید آورنده	اللطيفُ:	دقیق، باریک بین
أَنَّى:	چگونه، کجا؟	الْخَبِيرُ:	دانا، آگاه
وَلَدٌ:	فرزند	بَصَائِرُ:	بینایی ها، بصیرت
تَكُنْ:	باشد	أَبْصَرَ:	به دیده بصیرت نگریست
صَاحِبَةٌ:	همسر	عَمِيَ:	نابینا شده به دیده بصیرت نگریست
فَعَلَيْهَا:	پس بر علیه اوست، به	نُصِرْتُ:	برمی گردانیم
	زیان اوست		
حَفِيطٌ:	نگهبان	دَرَسْتُ:	درس خوانده ای، درس گرفته ای

آیه ۱۰۰: وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ  
وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا  
يَصِفُونَ

**ترجمه:** و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند با  
اینکه خدا آنها را خلق کرده است، و برای او بی  
هیچ دانشی، پسران و دخترانی تراشیدند؛ او پاک و  
برتر است از آنچه وصف می کنند.

### تفسیر:

در این آیات به گوشه‌ای از خرافات مشرکان اشاره  
کرده است همراه با جواب آنها. نخست می‌فرماید:  
آنها موجود زنده‌ای به نام «جن» را شریک خدا

قرار دادند، حال آن که هم خودشان و هم جن‌ها مخلوق خدایند و همگی باید مطیع خدا باشند؛ پس جنیان صلاحیت همتایی با خدا را ندارند.

**مراد از جن:** دوگونه از جن مورد توجه مشرکان بوده است: ۱. جن، همان شیطان است که پدیدآورنده شرور در عالم است؛ پس در کنار خدا که فاعل خیرات است، جن قرار دارد؛ ۲. منظور از جن، موجودی نامریی است که در مقابل انس (انسان) قرار دارد. مشرکان قریش عقیده داشتند خدا با جن ازدواج کرده و فرزندان آنها، فرشتگان هستند که فرزندان و شرکای خدا محسوب می‌شوند. مراد از جن در این آیه، همین معناست. با این حال،

«جن» به هر معنا که باشد، خداوند با یک کلمه جوابی منطقی به آن‌ها داده است و آن این است که، (خَلَقَهُمْ): ۱. خدا آن‌ها را آفریده است و منطقی نیست که مخلوق با خالق خود، هم‌تا و شریک شود؛ ۲. خدا شما را هم آفریده و مخلوق نباید جز خالق خود را پرستد.<sup>۱</sup>

وَحَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ: این قسمت از آیه به خرافه دیگری اشاره دارد: «حَرَقَ»، یعنی پاره کردن چیزی بدون حساب؛ یعنی مشرکان بدون حساب و کتاب و آن هم بدون دلیل (بِغَيْرِ عِلْمٍ)، و تنها بر پایه خرافات عقیده داشتند که خدا دارای پسر و دختر است! در پایان آیه، خدای بلند مرتبه را از هردو

---

۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۱۲ - ۴۱۵.

خرافه، یعنی داشتن شریکی از جن و داشتن فرزندان دختر و پسر، منزّه دانسته است.<sup>۲</sup>

\*\*\*\*\*

□ آیه ۱۰۱: بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

**ترجمه:** پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است؛ چگونه او را فرزندی است، در صورتی که برای او همسری نبوده و هر چیزی را آفریده و اوست که به هر چیزی داناست.

## تفسیر:

این آیه به خرافاتی که در آیه قبل از طرف مشرکان گفته شده بود، پاسخ می‌دهد. اول، واژه «بدیع» به معنای «مبدع» [پدیدآورنده] است و ویژگی خاصی دارد که کاربرد حقیقی آن در مورد خدا صادق است. «ابداع» یعنی ایجاد ابتدایی چیزی که ماده اولیه، نمونه و سابقه‌ای ندارد؛ بنابراین «بَدِیعُ» هم به معنای واقعی آن، جز بر خدا صادق نیست، که مبتکرانه و بی‌نیاز به مواد خام، اشیای بی‌شماری را پدید می‌آورد و حال آنکه هر سازنده‌ای برای ساختنی نیاز به مواد اولیه و الگوی ساخت دارد. بر این پایه، خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین را بی

هیچ مواد اولیه و بی الگو پدید آورده است.<sup>۳</sup> حال با توجه به این قدرت و علم الهی، چه موجودی می-تواند همچون خدا باشد تا بتواند هم ردیف و شریک او قرار گیرد؟!<sup>۴</sup>

أَنْیَ یَكُونُ لَهُ... صَاحِبَةً : دوم، داشتن فرزند، مستلزم داشتن همسر از سوی خداست؛ چرا که غیر از این، خلاف عقل خواهد بود و شما می دانید که او همسری ندارد، پس فرزندی هم نخواهد داشت.<sup>۵</sup>

وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ : سوم، اگر به زعم شما خدا دارای فرزند باشد، پس براساس این که خدا هرچیزی را آفریده، باید فرزندش را هم خود آفریده باشد، در

۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۲۳.

۴. تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۷۸.

۵. المیزان، ج ۷، ص ۴۰۳.

حالی که فرزند، آفریدنی نیست، بلکه جزیی از وجود آدمی است که از طریق لقاح به وجود می-آید.<sup>۶</sup>

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ: چهارم، وقتی خدا به همه چیز آگاه است، پس باید به وجود زن و فرزندش هم آگاهی داشته باشد، در حالی که خدا از وجود چنین چیزی آگاهی ندارد؛ پس معلوم می شود اصلاً وجود ندارند.<sup>۷</sup>

\*\*\*\*\*

۶. المیزان، ج ۷، ص ۴۰۳.

۷. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۲۱.

❖ آیه ۱۰۲: ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

**ترجمه:** این است خدا، پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است پس او را پرستید و او بر هر چیزی نگهبان است.

**تفسیر:**

«خدای شما» همان «پروردگار شما» است. این جمله نتیجه‌ای است که از بیان آیات سابق گرفته شده<sup>۸</sup> و به علت داشتن صفات برجسته و منحصر به فرد، «معبود شما» هم خواهد بود و باید او را پرستند. این صفات عبارتند از: مبدع، بی‌شریک، بی‌همسر، حافظ هر چیز، بی‌فرزند، آفریننده همه چیز و دانای بر همه چیز. هیچ خدا، پروردگار و معبودی را نمی‌توانید بیابید که چنین باشد تا بتواند شریک او گردد یا جای او قرار گیرد.<sup>۹</sup>

۸. المیزان، ج ۷، ص ۴۰۳.

۹. المیزان، ج ۷، ص ۴۲۹.

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ : خداوند حافظ و نگهبان  
و کارگذار و حکمران هر چیزی است، پس باید در  
امور دنیوی و اخروی به او توکل و اعتماد کرد.<sup>۱۰</sup>

\*\*\*\*\*

□ آیه ۱۰۳: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ  
وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

**ترجمه:** چشم‌ها او را در نمی یابند و اوست که  
دیدگان را درمی یابد و او لطیف آگاه است.

## تفسیر:

این آیه از یک سو در پی اثبات «حاکمیت» و «نگاهبانی» خدا و «تفاوت او با سایر موجودات» است، و از سوی دیگر پاسخی است به ادعاهای مشرکان که خواهان دیدن خدا و فرشتگان و حتی دریافت وحی و نزول فرشتگان بر آنها بودند؛ بر این اساس می‌فرماید: خدای سبحان از قلمرو حس بیرون است، بنابراین نه تنها با چشم سر دیده نمی‌شود بلکه با هیچ یک از حواس ظاهری، ادراک نمی‌گردد. ذکر «بصر» از آن روست که چشم کارآمدترین حس آدمی است که اگر با آن نتوان خدا را دید، با حس‌های دیگر هم نمی‌توان خدا را

حس کرد. عدم دیدن و حس مادی خدا از آن جهت است که او، جسم و مادی نیست.<sup>۱۱</sup>

وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ: از آنجا که خدا از نظر «علم» و «قدرت» و «وکالت: نگهبانی» بر همه چیز احاطه دارد، می تواند همه احوالات ظاهری و باطنی موجودات به خصوص انسان ها را درک کند. بدیهی است که «درک» عمیق تر از «دیدن» است.<sup>۱۲</sup> منظور از «الْأَبْصَارَ» دیدگان سر نیست، بلکه دیدگان قلب است؛ یعنی برتر از خیال و گمان و خیالی و وهم است؛ در وهم کسی نمی گنجد و به چگونگی وجودش پی برده نمی شود.<sup>۱۳</sup>

۱۱. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۶۷، ۴۷۰.

۱۲. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۶۷؛ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۸۰.

۱۳. المیزان، ج ۷، ص ۲۱۳.

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ : درباره معنای لطیف چند وجه گفته‌اند:

۱. این کلمه از «لاطف» و صیغه مبالغه است؛ یعنی به وسیله ریزش نعمت‌ها به مردم لطف می‌کند.

۲. تدبیرش لطیف است.

۳. صاحب لطف است؛ زیرا نعمت‌های بسیار خود را کم و عبادات ناچیز مردم را زیاد می‌شمارد.

۴. صاحب لطف است؛ که اگر او را بخوانی، تو را پاسخ می‌دهد و اگر کوی او را قصد کنی، تو را مأوی می‌دهد و اگر او را دوست بداری، ترا بخود نزدیک می‌کند و اگر او را طاعت کنی، تو را پاداش می‌دهد و اگر او را معصیت کنی، تو را عفو می‌کند

و اگر از او اعراض کنی، تو را می خواند و اگر بدو  
روی آوری، تو را هدایت می کند.<sup>۱۴</sup> او خبیر است،  
به این معناست که خدا بر همه چیز احاطه علمی  
دارد.<sup>۱۵</sup>

\*\*\*\*\*

آیه ۱۰۴: قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ  
فَلَِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيزٍ

**ترجمه:** به راستی که رهنمودهایی از جانب  
پروردگارتان برای شما آمده است؛ پس هر که به  
دیده بصیرت بنگرد به سود خود او و هر کس از

۱۴. مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۱۳.  
۱۵. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۶۹، ۴۷۴.

سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست و من بر  
شما نگهبان نیستم.

### تفسیر:

این آیات یک نوع نتیجه‌گیری از آیات گذشته  
است، بنابراین می‌فرماید: دلایل و نشانه‌های روشن  
در زمینه توحید و خداشناسی و نفی هرگونه شرک  
که مایه بصیرت و بینایی است برای شما آمد.<sup>۱۶</sup>  
قرآن کریم، دلایل خود را در سطوح مختلف و برای  
هدایت همه گروه‌ها به روشنی بیان کرده است تا

هر کس متناسب با فهم و بصیرت خود از آن بهره‌مند گردد.<sup>۱۷</sup>

فَمَنْ أَبْصَرَ... فَعَلَيْهَا : «بینایی» یا «کوری» باطن به دست خود انسان است و «سود بینایی» و «زیان کوری» نیز به خود شخص باز می‌گردد. انسان به وسیله ایمان و عمل صالح، می‌تواند خود را هم در دنیا بصیر کرده و حق را از باطل بازشناسد و هم در آخرت. انسان کور باطن، هم از برکات دنیا محروم است و هم در آخرت کور محشور می‌شود.<sup>۱۸</sup>

وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِیْظٍ: رسالت پیامبر اسلام ص ، ابلاغ بصائر (دلایل روشن) الهی است نه واداشتن تکوینی

۱۷. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۳.

۱۸. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۳.

انسان بر گزینش راه حق، چون آن حضرت ناصح مردم است، نه مالک دلهای آنان.<sup>۱۹</sup>

انسان‌ها با اراده خدادادی می‌توانند به بصیرت حقیقی برسند و می‌توانند با بی‌اعتنایی به آن، در دنیا و آخرت کور باشند.<sup>۲۰</sup>

\*\*\*\*\*

□ آیه ۱۰۵: وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ  
دَرَسَتْ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

**ترجمه:** و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم تا مبدا بگویند: تو درس خوانده‌ای، و تا این که آن را برای گروهی که می‌دانند، روشن سازیم.

۱۹. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۳؛ المیزان، ج ۷، ص ۴۱۷.

۲۰. تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۹۳.

## تفسیر:

قرآن مجید، انذار و تبشیر خود را با موضوعات متنوع و در محورهای گوناگون و با بیانهای مختلف تبیین و تشریح می کند تا همگان بتوانند در هر زمانه و سرزمین به فراخور فهم خود از آنها بهره گیرند.<sup>۲۱</sup>

وَلْيَقُولُوا دَرَسْتَ : با این حال، در برابر تعالیم قرآنی رسول اکرم ص دو گروه، دارای دو واکنش بودند. گروهی پیامبر ص را متهم می کردند که این مطالب و اخبار را که تو می گویی، از دیگران و به خصوص علمای یهود یادگرفته ای (دَرَسْتَ) یا درمذاکره با

آنان به دست آورده‌ای<sup>۲۲</sup> و چه بسا مطالب مندرس و  
اسطوره‌های گذشتگان است.

وَلَنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ : و اما در برابر این انسان‌های  
عنود و لجوج، انسان‌هایی قرار داشتند که از «تعریف  
قرآن»، کمال فایده را می‌بردند و از اندازها و  
بشارت‌های قرآن مجید بهره‌مند می‌شدند و اینان  
همان عالمان بودند.<sup>۲۳</sup> اینان از تعقل در تنوع  
گفتارهای قرآنی، دل‌های‌شان را پاک می‌کردند و  
به شرح صدرشان می‌افزودند.<sup>۲۴</sup>

البته تعریف، تحویل و تنوع گفتارها در آیات الهی،  
برای هدایت همه مردم است، لیکن تنها عالمان و

۲۲. روان جاوید، ج ۲، ص ۳۶.

۲۳. تسنیم، ج ۲۶، ص ۵۰۴.

۲۴. المیزان، ج ۷، ص ۴۳۱.

دانشمندان هستند که از آن بهره می گیرند؛ بدین سبب خدای سبحان، تبیین آیات را ویژه آنان می-شمرد: (لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ).<sup>۲۵</sup>

براساس تفاوت سطح ادراک و واکنش مردم به موضوعات گوناگون و همچنین بر پایه جاودانگی قرآن کریم و رشد فکری بشر، خدای سبحان براهین معرفت و بصایر هدایتی خویش را متنوع و در عرصه های گوناگون همچون پدیده های زمینی و موجودات کیهانی و نیز در محورهای عمیق تری مانند انسان شناسی و... عرضه می کند تا هیچ گاه

برای فرد یا گروهی بهانه‌ای نماند و حجت بر  
همگان تمام گردد.<sup>۲۶</sup>